قتل دلخراش ۸ عضو یک خانواده زاهدانی

مأموران پلیس زاهدان اجساد هشت عضو یک خانواده زاهدانی را که به طرز مشکوکی به قتل رسیده‌بودند کشف کردند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

فرمانده انتظامی شهرستان زاهدان درباره این حادثه دلخراش گفت: ساعت ۱۲:۳۰ ظهر دیروز به مأموران پلیس شهرستان زاهدان خبر رسید چند عضو یک خانواده به طرز مشکوکی در خانه‌شان به قتل رسیده‌اند. مأموران پلیس پس از حضور در محل حادثه با جسدهای خونین هشت‌نفر از اعضای خانواده‌ای (دو زن، سه دختر و سه پسر) روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت این افراد شب گذشته به قتل رسیده‌اند.

به گفته سرهنگ محمود سعادتی با اعلام این خبر و کشف اجساد کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور بازپرس ویژه قتل تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی قاتل یا قاتلان آغاز کرده‌اند. براساس گزارش پلیس محلی، همسر و پدر اعضای این خانواده به علت محکومیت جرائم موادمخدر زندانی رأی باز بوده که روز دهم خرداد در ساعت ۱۳:۲۰ خود را به زندان معرفی کرده است.

دیه و ۵ سال حبس برای قتل همکلاسی

پسر نوجوانی که در درگیری همکلاسی‌اش را به قتل رسانده بود با حکم دادگاه به دیه و ۵ سال حبس در کانون اصلاح و تربیت محکوم شد. حکم دادگاه پس از اعتراض اولیای دم در دیوان عالی کشور تأیید شد.

به گزارش جوان، ۳۰ مهرماه سال ۹۷، مأموران پلیس از مرگ مشکوک پسر نوجوانی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. جسد متعلق به مجید ۱۷ساله بود که در جریان درگیری با یکی از دوستانش به نام کیارش، زخمی و بعد از انتقال به بیمارستان فوت کرده‌بود.

■ **اعتراف به قتل همکلاسی**

با انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات برای شناسایی کیارش ۱۷ساله آغاز شد تا اینکه وی بعد از خبر فوت دوستش همراه پدرش به اداره پلیس رفت و خودش را معرفی کرد. پسر نوجوان به پلیس آگاهی منتقل شد و تحت بازجویی قرار گرفت، او

در بازجویی‌های اولیه با اظهار پشیمانی به جرمش اقرار کرد و در شرح ماجرا گفت: «من و مجید همکلاسی بودیم. با هم اختلافی نداشتیم اما او پسر قلدری بود و عادت داشت به همه زور بگوید. مدتی قبل از حادثه با دوستانمان تصمیم گرفتیم برای هماهنگی برنامه‌هایمان یک گروه تلگرامی تشکیل بدهیم تا اگر کاری با هم داشتیم در آن گروه به هم اطلاع بدهیم. مدتی قبل از حادثه مجید به خاطر موضوعی داخل گروه تلگرامی چند باری مرا تهدید کرد و حتی چند بار هم به من فحاشی کرد.» متهم ادامه داد: «آخرین بار بعد از اینکه او دوباره در همان گروه به من فحاشی کرد، از من خواست در یکی از خیابان‌های افسریه با هم قرار بگذاریم. قبول کردم و تصمیم گرفتم سر قرار بروم، اما او خیلی قوی هیکل‌تر از من بود به همین خاطر همراه خودم چاقو بردم تا اگر لازم شد از خودم دفاع کنم.»

متهم در خصوص قتل گفت: «وقتی سر قرار رسیدم و با هم روبه‌رو شدیم، مجید بدون مقدمه به طرفم حمله کرد. من هم به او حمله کردم و کار به درگیری کشید. در آن درگیری برای دفاع از خودم چاقویی که همراه داشتم بیرون آوردم و به او ضربه زدم. وقتی مجید خونین روی زمین افتاد از ترس به پارک سرخه حصار فرار کردم و شب به خانه برگشتم. خیلی مضطرب و پریشان بودم تا اینکه پدرم حالم را پرسید. گریه‌ام گرفت و موضوع را به او گفتم. پدرم وقتی ماجرا را شنید و متوجه شد مجید در بیمارستان فوت کرده است از من خواست به اداره پلیس برویم تا خودم را معرفی کنم. برایم خیلی سخت بود اما قبول کردم.» با اقرارهای متهم، از آنجایی که او زیر ۱۸ سال بود به کانون اصلاح و تربیت منتقل شد و پرونده نیز با کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

■ **محاکمه در شعبه ویژه اطفال**

متهم در اولین جلسه رسیدگی که در شعبه هفتم (ویژه اطفال) تشکیل شد از کانون اصلاح و تربیت به دادگاه منتقل شد و مقابل هیئت قضایی قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه نماینده دادستان متن کیفرخواست را قرائت کرد. سپس اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند و برای متهم درخواست قصاص کردند.

در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و با اقرار به جرمش در توضیح گفت: «من و مجید در یک مدرسه درس می‌خواندیم و چند سال همکلاس بودیم. بعد از تشکیل گروه تلگرامی او بارها به من توهین کرد و احساس غرور داشت. او فکر می‌کرد قلدر است و کسی حریف او نیست. حتی شنیده بودم بارها از بچه‌ها پول زور گرفته بود. علت این رفتار را نمی‌دانستم تا اینکه بعد از مدتی که از او بی‌خبر بودم دوباره در همان گروه تلگرامی به من فحاشی کرد. چند روزی گذشته بود که مجید تماس گرفت و تهدیدم کرد اگر مرا ببیند به درخت آویزانم می‌کند سپس خواست با هم قرار بگذاریم.» متهم ادامه داد: «برای اینکه کم نیاورم قبول کردم اما از ترس چاقویی برداشتم و آنرا همراه خودم بردم. وقتی همدیگر را دیدیم کار به درگیری کشید و در آن درگیری با چاقو ضربه‌ای به شکمش زدم. مقتول خودش چاقو را بیرون کشید و به طرف چمن‌های فضای باز رفت و بعد از دقایقی روی زمین افتاد. بالای سرش رفتم و از ترس تلفن همراهش را برداشتم و گریختم.»

متهم در حالی که اشک می‌ریخت در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید قصد کشتن مقتول را نداشتم. او خیلی از من قوی‌تر بود به همین دلیل چاقو را همراهم بردم تا از خودم دفاع کنم. وقتی هم سر قرار رسیدیم او دست بردار نبود و همچنان مرا کتک می‌زد. این شد که به اجبار با چاقو ضربه‌ای به او زدم.»

■ **صدور حکم و تأیید در دیوان**

در پایان هیئت قضایی بنا به نظر کارشناسان پزشکی قانونی که در گزارشی اعلام کرده بودند متهم به رشد عقلی نرسیده و ماهیت جرم را درک نکرده است و کمال عقلی نداشته است، وارد شور شدند و طبق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی که در آن آمده است هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸سال، ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد آنها از قصاص معاف و به مجازات‌های پیش‌بینی شده محکوم می‌شوند، متهم را از قصاص معاف و وی را به پرداخت دیه و پنج‌سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم کرد.

پرونده با اعتراض اولیای دم به حکم صادره، به دیوان عالی کشور فرستاده شد تا اینکه بعد از بررسی دوباره اوراق آن از سوی قضات شعبه ۹ دیوان، این حکم مورد تأیید قرار گرفت و قطعی شد.

مرد رؤیاهای دختر پولدار قاتل زندانی از آب درآمد

قاتل زندانی که در اینستاگرام با دختر پولداری آشنا شده بود، از زندان برای او پیام‌های عاشقانه می‌فرستاد و مدعی بود که در استرالیا زندگی می‌کند، اما وقتی دستش رو شد او را تهدید کرد اگر دیه ۴میلیاردی‌اش را فراهم نکند و از اولیای‌دم رضایت نگیرد او را به قتل می‌رساند.

به گزارش جوان، چندی قبل دختر ۲۰ساله‌ای به دادسرای امور جنایی تهران رفت و از مرد زندانی به اتهام تهدید به قتل شکایت کرد.

وی در توضیح شکایت خود گفت: وضع مالی خیلی خوبی داریم و پدرم شرکت بزرگی را اداره می‌کند و خانه بزرگی هم در یکی از خیابان‌های شمالی تهران داریم. دو سال قبل دیپلم گرفتم، اما وارد دانشگاه نشدم چون تصمیم گرفته‌ام برای تحصیل به خارج از کشور بروم. در این دو سال که بیکارم در فضای مجازی مخصوصاً در اینستاگرام فعالیت زیادی دارم و از همین طریق هم دوستان زیادی پیدا کرده‌ام. چندی قبل در اینستاگرام پسر جوانی به من پیام داد و درخواست داد صفحه او را دنبال کنم. عکس‌هایی که او در اینستاگرامش منتشر می‌کرد حکایت از آن داشت که وضع مالی خوبی دارد و در خارج از کشور زندگی می‌کند. او خودش را به من پیمان معرفی کرد و مدعی شد که دکترای مهندسی انفورماتیک دارد و در کشور استرالیا زندگی می‌کند و در شهر ملبورن شرکت بزرگی دارد.

من حرف‌های او را باور کردم تا اینکه به من پیشنهاد ازدواج داد. از اینکه پسر پولدار و تحصیلکرده‌ای به من پیشنهاد ازدواج داده بود خیلی خوشحال بودم و پیشنهاد او را قبول کردم. البته او هم متوجه شده بود که وضع مالی پدرم خیلی خوب است.

■ **تماس‌های عاشقانه از زندان**

مدتی با هم ارتباط تلفنی و پیامکی داشتیم و همیشه از او می‌خواستم که زودتر به ایران بیاید تا از نزدیک او را ببینم و به خانواده‌ام معرفی‌اش کنم، اما پیمان امروز و فردا می‌کرد و مدعی بود که سرش خیلی شلوغه و کارهای شرکتش زیاد است، اما در اولین فرصت به ایران می‌آید.

او هر چند وقت یک بار عکس‌هایی از خودش با تیپ و قیافه‌های خاص و همراه با خودروهای لاکچری و مناظر زیبا برای من می‌فرستاد و از من هم می‌خواست برایش عکس بفرستم تا اینکه یک روز وقتی به عکس‌های او با دقت نگاه کردم متوجه شدم همه عکس‌ها فتوشاپ هستند. آن روز همه آرزوهایم بر باد رفت، اما به خودم دلداری دادم که اشتباه می‌کنم تا اینکه روزی وقتی تلفنی با او حرف می‌زدم صدای بلندگویی به گوشم رسید که انگار از داخل زندان بود. بلندگو نام فردی را صدا زد که از سلولش برای ملاقات با خانواده‌اش به اتاق ملاقات برود. همان لحظه متوجه شدم که پیمان در این مدت مرا فریب داده است و نه تنها در استرالیا زندگی نمی‌کند که پسر خلافکاری است که در زندان به سر می‌برد.

■ **قاتل طلافروش**

پس از این تصمیم گرفتم رابطه تلفنی و پیامکی‌ام را با پیمان قطع کنم و حتی همان روز به او گفتم که دستش برای من رو شده است و دیگر دوست ندارم صدایش را بشنوم.

پیمان آن روز اعتراف کرد که مرا فریب داده است اما عاشق من است. او گفت که چند سال قبل هنگام سرقت مسلحانه از طلافروشی در یکی از شهرهای اطراف تهران صاحب طلافروشی را به قتل رسانده و پس از دستگیری هم قاضی به او حکم قصاص داده است. پیمان گفت که حکم قصاصش تأییدشده و حتی یکبار هم پای چوبه‌دار رفته است، اما با میانجیگری هیئت صلح و سازش دادسرا از پای چوبه دار به سلولش برگشته است.

او مدام التماس می‌کرد که او را تنها نگذارم اما من تصمیم خودم را گرفته بودم و به او گفتم که دوست ندارم با قاتل ازدواج کنم و بعد هم تلفن را قطع کردم.

■ **تهدید به قتل**

بعد از آن پیمان دست بردار نبود و هر روز با من تماس می‌گرفت و وقتی فهمید تصمیم جدی است شروع به تهدید کرد. او هر روز پیام‌های تهدید آمیز برای من می‌فرستاد و می‌گفت که اولیای‌دم برای آزادی او ۴میلیارد تومان دیه درخواست کرده‌اند و از من می‌خواست پیش اولیای‌دم بروم و برای او رضایت بگیرم. گاهی هم پیام می‌داد که از پدرم و دوستانم برای او پول بگیرم که بتواند رضایت بگیرد و از زندان آزاد شود. پیمان می‌گفت برای خودش در زندان گنده لات است و نوچه‌های زیادی هم در بیرون از زندان دارد و اگر ارتباطم را با او قطع کنم و به خواسته‌اش عمل نکنم دستور می‌دهد مرا با ماشین زیر بگیرند و با تصادف ساختگی مرا بکشند.

■ **اقدام به قتل**

ابتدا به تهدیدهای او توجهی نکردم و فکر می‌کردم که یک زندانی چطور می‌تواند مرا بیرون از زندان به قتل برساند به همین خاطر سعی کردم او را فراموش کنم. پیامک‌های تهدید آمیز او هر روز ادامه داشت، اما این پایان ماجرا نبود تا اینکه چند روز قبل وقتی از خانه‌مان بیرون آمدم داخل خیابان متوجه شدم خودرویی که راننده آن مرد جوانی است مرا تعقیب می‌کند. راننده ناگهان خودرو را به طرف من گرفت که به سرعت به داخل پیاده رو رفتم و موفق شدم جانم را نجات دهم. او قصد داشت مرا با خودرو زیر بگیرد اما موفق نشد. پس از این هر روز که از خانه بیرون می‌آیم احساس می‌کنم که خودرویی در تعقیب من است و به همین دلیل فهمیدم که تهدیدهای پیمان جدی است که تصمیم گرفتم از او شکایت کنم.

■ **می‌خواستم برایم رضایت بگیرد**

با شکایت دختر جوان پرونده به دستور قاضی دادسرای جنایی برای رسیدگی در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت. مأموران پلیس خیلی زود متهم را که از چند سال قبل به جرم قتل در زندان بود شناسایی کردند. مأموران از سلول متهم گوشی تلفن همراهی را کشف کردند که پس از بررسی آن مشخص شد مرد زندانی ابتدای آشنایی پیامک‌های عاشقانه برای شاکی می‌فرستاده اما وقتی شاکی به او جواب رد می‌دهد هر روز برای او پیام‌های تهدید آمیز می‌فرستاده است.

متهم پس از انتقال به دادسرا، آشنایی با شاکی را قبول کرد اما مدعی شد که او را تهدید نکرده است. وی گفت: مدتی قبل گوشی به قیمت خیلی بالایی در زندان خریدم. از آن روز به بعد وارد فضای مجازی شدم تا اینکه با دختر ۲۰ساله آشنا شدم و فهمیدم دختر پولداری است. به او ابراز علاقه کردم و او هم از من خوشش آمد و رابطه دوستانه ما برقرار شد. وقتی فهمید من زندانی هستم و اولیای‌دم برای بخشش درخواست ۴میلیارد کرده‌اند تصمیم گرفت برای من از اولیای‌دم رضایت بگیرد تا پس از آزادی با هم ازدواج کنیم، اما مدتی بعد پشیمان شد. من عاشقش بودم به طوری که حتی فکر جدایی از او هم برای من ممکن نبود و به همین دلیل از او خواستم کمکم کند که دیه را فراهم کنم و از زندان آزاد شوم اما او را تهدید به قتل نکردم.

در حالی که مرد زندانی جرم خود را انکار می‌کند بررسی تلفن همراه او نشان می‌دهد که شاکی از سوی او تهدید به قتل شده است. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

دستگیری تبعه چینی به اتهام انتشار تصاویر خصوصی دختران ایرانی

تبعه چینی که تصاویر خصوصی دختران ایرانی را در فضای مجازی منتشر کرده بود در عوارضی کاشان به دام افتاد.

به گزارش جوان، چندی قبل کلیپ‌های در فضای مجازی دست به دست می‌شد که حکایت از آن داشت تبعه چینی مدعی است با تعدادی دختر نوجوان و جوان ایرانی ارتباط نامتعارف داشته است.

درحالی که کلیپ‌های منتشر شده در یوتیوب نزدیک به عدد ۵۰ رسیده‌بود با واکنش‌های زیادی از سوی کاربران ایرانی مواجه شد. همچنین تعدادی از دختران با دیدن فیلم‌های خود در یوتیوب با گذاشتن کامنت هایی به زبان انگلیسی و فارسی از تبعه چینی خواسته‌بودند که کلیپ را از صفحه شخصی خود حذف کند و بعضی‌ها هم نوشته بودند که قرار نبود این فیلم‌ها پخش شود. در چنین شرایطی که هر روز دامنه اعتراض‌ها درباره پخش کلیپ‌ها بیشتر می‌شد رئیس مرکز اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اجتماعی ناجا از تشکیل پرونده‌ای درباره ادعای یکی از اتباع خارجی و بررسی صحت و سقم آن توسط پلیس خبر داد.

سرهنگ سیداحمد خسروی اعلام کرد: تصاویری در فضای مجازی منتشر شده مبنی بر اینکه یکی از اتباع بیگانه مدعی شده است با کاربران ایرانی ارتباط نامتعارف دارد و به همین دلیل پرونده‌ای با همین عنوان به صورت مشترک در ۲ پلیس تخصصی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برای پیگیری و مشخص شدن صحت و سقم این موضوع تشکیل شده است.

در حالی که تحقیقات درباره این پرونده ادامه داشت دادستان عمومی و انقلاب کاشان از دستگیری تبعه چینی عامل انتشار تصاویر از روابط خصوصی با دختران ایرانی در کاشان خبر داد. روح‌الله دهقانی به مهر گفت: انتشار این تصاویر در فضای مجازی، واکنش‌های زیادی را از طرف هموطنان ایرانی در پی داشت.

وی با بیان اینکه در این پرونده شاکیان خصوصی هم اقدام به شکایت کرده بودند، افزود: با توجه به حساسیت موضوع، این پرونده در دستور کار مقامات قضایی و انتظامی قرار گرفت تا اینکه این فرد شامگاه دوشنبه دهم خرداد توسط نیروهای انتظامی و اطلاعاتی در عوارضی کاشان دستگیر شد.

وی با اشاره به اینکه متهم ضمن تفهیم اتهام بازداشت شده و با اعمال ماده ۱۲۱ تحت‌الحفظ به تهران منتقل خواهد شد، گفت: به محض مشخص شدن ابعاد ماجرا مراتب به سرعت اطلاع‌رسانی خواهد شد.

مهمان جشن تولد سارق طلاها بود

مرد جوانی که در مراسم جشن تولد یکی از بستگانش مقدار زیادی طلا و پول سرقت کرده بود دستگیر شد.

به گزارش جوان، ۲۱آبان‌سال گذشته، مأموران پلیس تهران در جریان سرقت از مهمان‌های جشن تولدی قرار گرفتند که حکایت از آن داشت سارق که یکی از مهمان‌های جشن تولد بود و مقدار زیادی پول و طلا به ارزش ۱۵۰میلیون تومان از چند مهمان و صاحبخانه سرقت کرده است. با به‌دست آمدن این اطلاعات کارآگاهان تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری سارق آغاز کردند که مدتی بعد دریافتند یکی از مهمان‌ها به نام کیوان به طلافروشی رفته و مقدار زیادی طلا بدون فاکتور فروخته است.

سرهنگ کارآگاه سعید مجیدی، رئیس پایگاه‌چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ درباره این خبر گفت: «مأموران کیوان و صاحب طلافروشی را دستگیر کردند که کیوان به سرقت از صاحبخانه و هشت‌فقره سرقت از سایر مهمانان اعتراف کرد.»

وی در آخر گفت: «سارق و مالخر پس از تحقیقات تکمیلی به دادسرا معرفی شدند.»

دستگیری زن جوان با ۳۸کیلو تریاک

مأموران پلیس تهران از مخفیگاه زن جوانی که منزلش را پاتوق قاچاقچیان مرزی کرده بود، بیش از ۳۸کیلو تریاک کشف کردند.

به گزارش جوان، چندی قبل مأموران پلیس تهران از فعالیت یک‌قاچاقچی در یک منزل مسکونی در شرق تهران باخبر شدند و تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری وی آغاز کردند. مأموران در بررسی‌های اولیه خود موفق به شناسایی مخفیگاه متهم که یک منزل مسکونی قدیمی در یک ساختمان چهارطبقه بود شدند که در روند تحقیقات مشخص شد قاچاقچیان حرفه‌ای، از استان‌های جنوبی کشور مواد مخدر را از قاچاقچیان مرزی تهیه می‌کنند و بعد از انتقال به شهر تهران آنرا در اختیار وی قرار می‌دهند.

بررسی‌های نشان داد قاچاقچی زن جوانی است که به تازگی مقدار زیادی تریاک از قاچاقچیان تحویل گرفته و قصد توزیع آن را دارد. بنابراین مأموران بعد از هماهنگی‌های قضایی وی را در مخفیگاهش دستگیر کردند.

سرهنگ عبدالوهاب حسنوند، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر درباره این خبر گفت: «با دستگیری متهم در بازرسی از مخفیگاه وی ۳۸کیلو و ۶۵۰گرم تریاک در کمد دیواری به همراه یک دستگاه ترازوی دیجیتال کشف شد. متهم بعد از انتقال به اداره پلیس مبارزه با موادمخدر به جرمش اعتراف کرد و در اختیار مراجع قضایی قرار گرفت.»

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۴۹۸۴۵۸

آگهی اعلام مفقودی

بدینوسیله اعلام میدارد دانشنامه پایان تحصیلات دوره کارشناسی عمران بنام سیامک بهروز قائمی به شماره ۱۵۸۹۱۴۷۰۰۵۴۷ بتاریخ ۹۰/۲/۱۵ و گواهینامه موقت پایان تحصیلات کارشناسی ارشد نامبرده به شماره ۲۵۱۵۲ (۱۳-۱۵-۳) بتاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد. تبریز

آگهی اعلام مفقودی

سند و برگ سبز موتورسیکلت رادیسون تریل ۲۰۰ سی سی cdi مدل ۸۹ پلاک ۱۶۸۷ ایران ۷۵۷۱۱ ش موتور R۸۸۰۱۹۳۲ ش تنه N۱Y***۲۰۰r۸۹۰۰۴۹۶ به نام: مختار ایرج نژاد فرزند محمد کد ملی ۲۴۹۰۰۷۶۳۰۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. شیراز

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری کرج

شهرداری کرج در نظر دارد با توجه به بودجه مصوب شورای اسلامی شهر پروژه مندرج در جدول ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح پروژه	مبلغ اعتبار به ریال	مبلغ سپرده به ریال	رتبه لازم	پرداخت قرارداد
۱	جدول گذاری و مرمت وبهسازی معابر سطح منطقه پنج – تا سقف اعتبار	۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	پنج ابنیه یا پنج راه وترابری	نقدی

۱-سپرده شرکت در مناقصه به یکی از روشهای ذیل ارائه گردد. ضمانت نامه بانکی معادل مبلغ فوق که به مدت ۹۰ روز اعتبار داشته و قابل تمدید باشد و یا واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب ۷۰۰۷۸۶۹۴۸۶۲۳ بانک شهر. ۲- برندگان نفر اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. ۳- شهرداری کرج در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.
۴- مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان هزینه خرید اسناد به حساب ۷۰۰۷۸۵۳۱۳۷۹۵ نزد بانک شهر شهرداری واریز و رسید آنرا ارائه نمایند.
۵- متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار آگهی جهت خرید اسناد مناقصه به اداره امور قراردادها و پیمانها واقع در میدان توحید- بلوار بلال شهرداری کرج طبقه هفتم مراجعه نمایند. ۶- در هر صورت مدارک مندرج در اسناد مناقصه ملاک فروش اسناد و متعاقباً عقد قرارداد خواهد بود. ۷- توضیح اینکه به غیر از سپرده شرکت در مناقصه کلیه اسناد و مدارک مربوط به پیمانکاران شرکت در مناقصه نزد شهرداری باقی می ماند.
۸- لازم به ذکر است هنگام خرید اسناد، داشتن رتبه مربوطه و ارائه تاییدیه صلاحیت در سایت sajar.mporg.ir - معرفی نامه ممهور به مهر و امضای مدیرعامل، روزنامه آخرین آگهی تغییرات اعضای شرکت، کد اقتصادی و گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر یا ارائه مدارک مبتنی بر ثبت نام معتبر الزامی می باشد.
۹- شرکت کنندگان در مناقصه می بایست کلیه فرمها و اطلاعات مورد درخواست شهرداری را تکمیل و به همراه سایر اسناد مناقصه در پاکت مربوطه قرار دهند. ۱۰-سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.
۱۱-پیشنهادات می بایست در پاکتهای مجزا (الف-ب-ج) لاک و ممهور به مهر شرکت شده و پس از الصاق هولوگرام بر روی پاکت ج تا پایان وقت اداری روزیکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۳ به آدرس کرج-میدان توحید – بلوار بلال دبیرخانه شهرداری کرج تحویل داده شود.
۱۲-پیشنهادات رسیده در روزدوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۳/۲۴ در کمیسیون عالی معاملات شهرداری کرج(دفتر شهردار) مطرح و پس از بررسی و کنترل برنده مناقصه اعلام خواهد شد .هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

* جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۵۸۹۲۴۱۸-۳۵۸۹۲۴۲۱-۰۲۶ تماس و یا به سایت www.karaj.ir مراجعه نمائید.

اداره امور قراردادها و پیمانها – شهرداری کرج